



منبر مکتوب با موضوع

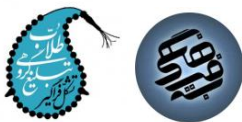
سیره قرآنی امام جعفر صادق(ع)

بر اساس نقل روایات صحیح و معتبر، پیامبر خدا(ص) برای امت اسلامی دو چیز گران بها و ارزشمند به عنوان یادگار و ودیعه تا روز قیامت گذاشت که عبارت اند از: قران و عترت ان حضرت. بدون شک این دو چیز گران بها، سخت مورد علاقه و محبت رسول خدا بودند و ان حضرت برای رساندن آنها به سر حد منزل، تلاش های فراوانی کرده و طبعاً نگران بود که امت پس از او بهای لازم را به این دو ندهند و قران را مهجور و عترت را رها کنند. از این رو، در حال حیات خویش پیوسته از قران و عترت و احترام به آنها سخن گفت. دلیل این همه اصرار، این بود که (قران) کتاب خدا و برنامه هدایت انسان ها و (عترت) نگهبان کتاب الهی و مفسر ان است.

امام صادق(ع) خود یکی از همان عترت پاک رسول خدا است؛ کسی که هم عالم به قران بود و هم عامل به ان. بدین جهت، چهره قرآنی این امام معصوم را در نوشتاری کوتاه تقدیم علاقه مندان می کنیم، به امید قبولی در درگاه احدیت.

### یک: سیمای قرآنی

طبق فرموده پیامبر(ص)، دو یادگار هستند که تا روز قیامت از یکدیگر جدا نمی شوند: یکی، قران و دومی، عترت پیامبر. [۱] این دو یادگار، یادآور علوم تمام پیامبران الهی اند و همه چیز در نزد آنهاست. امامان، آگاهان از حقایق کتاب الهی و راسخان در علم و وارثان اسرار عالم هستی بوده اند. امام جعفر صادق(ع) یکی از آنان است که وارث علم کتاب، سینه اش گنجینه اسرار قرآنی و وجود مقدسش امیخته با قران کریم بود. بدین جهت، هر کس به چهره امام صادق می نگریست، قران در



نظرش تجلی می کرد و هر گاه قران را می دید، امام صادق(ع) در خاطرش جلوه می نمود. او با آیات قران سخن می گفت، با قران استدلال می کرد، و سکوتش تفکر در قران بود.

با مطالعه نکات و احادیث زیر می توانید به این حقیقت پی ببرید.

## ۱. ریشه قرانی

امام صادق(ع) می فرمود: ای مردم! هر موضوعی که از طرف من به شما رسید، ان را بر قران تطبیق کنید. اگر موافق قران است، بدانید از سوی من است و اگر مخالف قران است، بدانید که من ان را نگفته ام.[۲]

و فرمود: هر حدیثی که موافق قران نیست، بی پایه است.[۳]

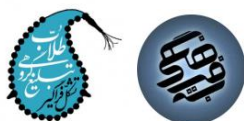
و فرمود: اگر از ما به دست شما حدیث و روایتی رسید که بر ان شاهی از قران کریم یا سخن پیامبر(ص) یافتید، ان را قبول کنید و اگر نه، به همانی که ان را برای شما آورده، برگردانید که او به ان سزاوارتر است.[۴]

## ۲. تمام قران در کف

عبد الاعلی گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می گفت: به خدا سوگند! من کتاب خدا را از آغاز تا پایان می دانم. گویی همه قران در کف دست من است. در قران خبرهایی مربوط به آسمان و زمین موجود است و آنچه واقع شده یا واقع خواهد شد، در ان آمده است. خدا می فرماید: (فیه تبیان کل شیء)؛ (در ان، بیان همه چیز است).[۵]

## ۳. سینه امام، گنجینه قران

عبد الرحمن بن کثیر از امام صادق(ع) نقل کرده که ان حضرت فرمود: قران می گوید: (ان کسی که نزد او علمی از کتاب بود، گفت: من تخت بلقیس را پیش از انکه چشم به هم بزیند، حاضر می کنم). انگاه امام انگشتان خود را باز کرد و بر سینه خود گذارد و فرمود: به خدا سوگند! علم همه کتاب نزد ماست.[۶]



ان حضرت به اسماعیل بن جابر فرمود: خداوند حضرت محمد را به عنوان پیامبر فرستاد و هیچ پیامبری پس از او نیست، و قرآن را بر او نازل کرد و بدین وسیله تمام کتاب ها را به ان ختم کرد. پس هیچ کتاب دیگری بعد از قرآن نمی باشد. خداوند در قرآن، حلالش را حلال و حرام را در ان حرام فرموده. پس حلال خدا تا روز قیامت حلال و حرامش حرام خواهد بود. و در قرآن اخبار پیشینیان و اخبار آیندگان و اخبار بین این دو وجود دارد. سپس دست به سینه خود گذارده، فرمود: ما تمام ان را می دانیم. [۷]

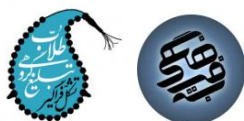
#### ۴. قرآن، منشا تمام دانسته های امام

عبد الاعلی و عبیده بن بشر گویند: بی آنکه کسی از امام صادق(ع) سوالی کرده باشد، خود شروع کرده و فرمود: به خدا سوگند! من آنچه را که در آسمان ها و زمین است، می دانم و نیز آنچه را که در بهشت و جهنم می گذرد و هر چه را که اتفاق افتاده و اتفاق خواهد افتاد تا روز قیامت، همه انها را می دانم. سپس سکوت کرد. نگاه لب به سخن گشوده، فرمود: اری، همه انها را از کتاب خدا می دانم. به ان چنین نگاه می کنم. و دست خود را باز کرد و فرمود: خداوند می فرماید: (فیه تبیان کل شیء). [۸]

گویا امام صادق(ع) این جمله را از فرمایش خدا در قرآن مجید: (و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء)، [۹] اقتباس فرموده است.

#### دو: سیره عملی امام

به گفته مالک بن انس و دیگران، هیچ گاه امام جعفر صادق(ع) جدای از قرآن دیده نشد. مالک گوید: من، جعفر بن محمد را بارها می دیدم که تبسم های نمکین نقش لبان او بود. هر گاه از پیامبر(ص) نزد او نام می بردند، ناگهان از احساس عظمت پیامبر، چهره او زرد می گشت. من هرگز ندیدم که او حدیثی از پیامبر نقل کند، مگر اینکه قبلاً وضو می گرفت. من برخی اوقات با او رفت و آمد می کردم و او را در یکی از سه حال می دیدم: یا نمازی گزارد و یا ساکت بود و یا قرآن می خواند، و هرگز چیز غیر مفیدی به زبان جاری نمی ساخت. از بندگان خدا بود که از او می ترسید. [۱۰]



با این وصف، می توان گفت امام صادق(ع) عاشق و شیفته کتاب خدا بود و در تمام زندگی و عمر خود به اشکال مختلف قرآن را محور زندگی خود قرار داده بود؛ اگر چه در برخی از مقاطع زندگی اش از مورخان چیزی درباره زندگی قرآنی اش نقل نشده است.

اینک نمونه هایی از فرازهای زندگی او را از نظر می گذرانیم:

## ۱. خواندن دعا پیش از تلاوت قرآن

امام(ع) پیش از آنکه قرآن را شروع کند، نخست این دعا را می خواند:

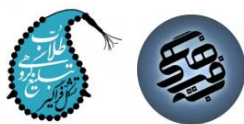
بار خدایا، پروردگارا! سپاس از ان تو است. تویی یگانه در توانایی و سلطنت استوار، و از ان توست سپاس، تویی برتر به عزت و کبریا و فراز اسمان ها و عرش بزرگ.

پروردگار ما! سپاس از ان تو است. تو خود همه چیز را به ذات خود، دانی و هر دانشمندی به درگاہت نیازمند است. پروردگار ما! از ان توست سپاس، ای فرود فرستنده آیات و ذکر عظیم، پروردگار ما! از ان تو است سپاس، بدانچه اموختی از حکمت و از قرآن بزرگوار و روشنگر.

بارالها! تویی که پیش از اظهار شوق، ان را به ما اموختی و سودش را نجسته، ان را به ما یاد دادی. بار خدایا! در صورتی که این خود منت و فضل و جود و لطف است نسبت به ما و رحمت است برای ما و امتنانی است بر سر ما بی جنبش و چاره جویی و توانایی از طرف ما.

بار خدایا! پس خوب خواندن ان و نگه داشتن آیاتش را نزد ما محبوب ساز و ایمان به متشابه و عمل به آیات محکم ان را به وسیله تاویل و رهیابی در تدبیر و بینایی در پرتوش به دل ما افکن.

بار خدایا! چنانی که ان را درمان برای دوستان نازل کردی و وسیله بدبختی دشمنانت ساختی و ان را نایبایی نافرمانان و روشنی فرمان برانت قرار دادی.



بار خدایا! ان را برای ما در برابر عذابت دژی ساز، و پناه گاهی در برابر خشم، و وسیله ای برای جلوگیری از نافرمانی ات، و نگهبانی برای بدخواهی ات، و راهنمایی به فرمانبری ات، و نوری در روز ملاقات قرار ده تا بدان خلق تو پرتوی بیابیم و به وسیله ان از صراط تو بگذریم و به بهشت تو راه بریم.

بار خدایا! به تو پناه می بریم از شقاوت و جفاکاری در تحمل ان، و کوری از به کار بستن ان، و تخلف در حکمش، و گردن فرازی از توجه بدان، و کوتاهی در برابر حق ان.

بار خدایا! سنگینی ان را به کمک خود بردار، و مزدش را بر ما لازم شمار، و شکر و قدردانی از ان را بر ما بگمار، و ما را داعی و حافظ ان ساز.

بار خدایا! ما را پیرو حلال ان، و کنارجوی از حرامش، و برپادارنده حدودش، و پرداخت کننده مقرراتش گردان.

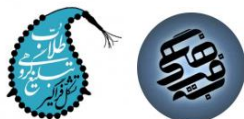
بار خدایا! خواندنش را به کام ما شیرین گردان، و در قیام بدان ما را نشاط بخش، و در ضمن مرتب خواندن و حسن تعبیر از ان دل ما را ترسان ساز، و نیروی به کار بستن ان را در هر ان از شب و روز به ما عطا کن.

بار خدایا! به دل ما هوشی بده در برابر شگفتی های بی پایان قران، و لذتی در زمزمه کردن با ان، و عبرتی در زمان شرح و بیان معانی ان، و سود روشنی در هنگام فهم جویی ان.

بار خدایا! به تو پناه می بریم از اینکه قران برایمان دلچسب نباشد و از اینکه ان را بالش خواب خود کنیم و پشت سراندازیم، و به تو پناه می بریم از قساوت خود در برابر آنچه ما را پند دادی.

بار خدایا! ما را سود بخش بدانچه در قران از ایات خود بازگو کردی، و ما را یادآور ساز بدانچه از مثل ها که در ان آوردی، و با تاویل ان بدکرداری های ما را جبران کن، و به وسیله ان مزد کردار نیک ما را چند برابر ساز، و درجات ما را بدان بالا بر، و با ان پس از مرگ مژده به دهان ما گذار.

بار خدایا! ان را توشه ای ساز برای ما که در موقع وقوف در برابرت نیرومند شویم، و راه روشنی که از ان به سوی تو پوییم، و دانش سودمندی که بدان شکر نعمت جوییم، و خشوع با حقیقتی که نام های مقدست را بدان منزّه دانیم؛ زیرا تو بدان بر ما حجتی آوردی که راه عذر را بر ما بستنی و به وسیله ان نعمتی به ما ارزانی داشتی که زبان شکر ما از ان کوتاه است...



بارخدايا! ان را براي ما شفيع روز قيامت خودساز، و ساز و برگ روز بر فراز شدن، و وكيل مدافع روز قضاوت، و نور در روز ظلمت، روزی که نه زمینی باشد و نه آسمان، روزی که هر کس بدانچه برای آن کوشیده، مزد گیرد.

بارخدايا! ان را در روز تشنگی وسیله سیرابی و نور روز پاداش ما گردان در برابر آتش سوزان و بی ترحم بر هر که به جانش افروخته و به سوزش شعله ور گردد.

بارخدايا! قران را در میان مردم برهان ما ساز در روزی که همه اهل آسمان ها و زمین گرد آیند.

بارخدايا! ما را به مقامات شهیدان راه بده و زندگی سعادت‌مندان و رفاقت با پیامبران را؛ زیرا تو شنونده دعایی. [۱۱]

## ۲. بیهوشی در حال تلاوت قران

علامه مجلسی می نویسد: روایت شده، هر گاه مولای ما امام صادق(ع) در نماز خویش قران می خواند، یک باره از هوش می رفت؛ زمانی که به هوش می آمد، از او علت بیهوشی را پرسیدند. حضرت در پاسخ فرمود: ان قدر آیات قران را تکرار کردم تا به حالتی رسیدم که گویا ان آیات را از زبان فرستنده اش می شنوم. [۱۲]

## ۳. خواندن سوره توحید و یس، پیش از حرکت

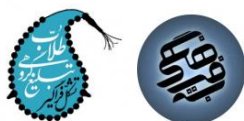
داود رقی گوید: در خدمت امام صادق(ع) بودم، جوانی در حالی که می گریست، وارد شد. وی اظهار داشت نذر کرده بودم که با همسرم حج بگذارم. زمانی که به مدینه رسیدم، از دنیا رفت. امام فرمود: برگرد که وی نمرده است. ان جوان از محضر امام بیرون رفت و شاد و خندان برگشت و گفت: بر او وارد شدم؛ در حالی که نشسته بود.

امام به داود فرمود: ایا ایمان نداری؟ گفتم: اری، اما می خواهم مطمئن شوم.

داود گوید: وقتی که روز ترویبه رسید، امام به من فرمود: شوق خانه خدا را دارم.

عرض کردم: اقای من! این عرفات است.

امام فرمود: اگر نماز عشا را خواندی، شتر مرا آماده کن.



داود گوید: امام بیرون آمد و نخست (قل هو الله احد) و سوره (یس) را خواند، ان گاه سوار بر شتر شده، مرا پشت سر خویش سوار کرد. پس شبانه حرکت کردیم... با طلوع فجر امام از جای برخاست و پس از اذان و اقامه، مرا در طرف راستش قرار داد و در رکعت اول، سوره حمد و ضحی را خواند و در رکعت دوم، سوره حمد و (قل هو الله احد) را تلاوت فرمود. سپس قنوت خواند و سلام داد و نشست.

افتاب که طلوع کرد، ان جوان به همراه همسرش از کنار ما گذشتند و زمانی که چشم ان زن به امام صادق (ع) افتاد، به همسر خویش گفت: این همان کسی بود که نزد خداوند شفاعت کرد تا زنده شوم. [۱۳]

#### ۴. آغاز نامه ها به نام خدا

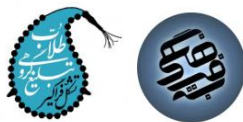
از دیگر سیره های امام صادق (ع) این بود که نامه های خود را به نام خداوند متعال آغاز می کرد.

هشام بن حکم گوید: یکی از بزرگان اهل جبل، همه ساله در ایام حج خدمت امام جعفر صادق (ع) شرفیاب می شد. ایشان نیز او را در یکی از منازل خویش در مدینه جای می داد. سال ها بر این منوال می گذشت تا مبلغ ده هزار درهم به امام داد تا خانه ای برایش خریداری کند. پس از مراسم حج و بازگشت به مدینه، به امام عرض کرد: فدایت گردم! ایا برای من خانه ای تهیه کردی؟ امام در پاسخ فرمود: اری. و سپس قباله ای را به او نشان داد که در ان نوشته شده بود:

(به نام خداوند بخشایشگر مهربان. این چیزی است که جعفر بن محمد برای فلانی خریداری کرده: خانه ای در بهشت که حد و مرزش [و همسایگانش] از یک سو، رسول خدا و از سوی دیگر، امیرمومنان و از جهت دیگر، حسن بن علی و از دیگر سو، حسین بن علی است).

چون ان شخص دست نوشته امام را خواند، گفت: به راستی که رضایت دادم، خداوند مرا فدای تو گرداند.

سپس امام فرمود: من ان مبلغ را بین فرزندان حسن و حسین (ع) تقسیم کردم و از خدا خواستار قبولی و پاداش بهشتی برای تو هستم.



هشام گوید: ان شخص به دیار خود بازگشت و ان قباله را نیز با خود برد. او پس از مدتی بیمار شد و چون خود را در استانه مرگ دید، بستگان خویش را جمع کرد و انها را سوگند داد که ان قباله را همراهش دفن کنند. انها نیز به وصیتش عمل کردند و روز دیگر که به زیارت قبرش رفتند، همان قباله را روی قبر یافتند؛ در حالی که در ان نوشته شده بود:

(جعفر بن محمد به وعده خود وفا کرد). [۱۴]

همچنین در نامه ای که به نجاشی - حاکم اهواز - نوشت، باز هم در ابتدای نامه، نام خدا را برد. [۱۵]

ان حضرت پیش از دعا نیز نام خدا را بر زبان جاری می ساخت. [۱۶]

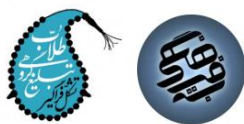


## ۵. استشفای به آیات

گاهی هم حضرت امام صادق(ع) با تلاوت برخی آیات قران مجید از خداوند طلب شفا برای برخی بیماران می کرد و به برکت خواندن ایه مورد نظر، ان فرد بیمار شفا می یافت.

معاویه بن وهب گوید: فرزند فردی از اهل مرو، سردرد گرفته بود. او به خدمت امام صادق(ع) شکایت کرد. امام فرمود: او را نزدیک بیاور. پس امام دست مبارک خود را بر سر بیمار کشید و این ایه مبارکه را خواند:

(ان الله یمسک السماوات و الارض ان تزولا و لین زالتا ان امسکهما من احد من بعده) [۱۷]؛ (محققا خدا اسماں ها و زمین را از اینکه نابود شود، نگاه می دارد و اگر رو به زوال نهند، جز او هیچ کس انها را نمی تواند حفظ کند). پس به اذن خدا، شفا یافت. [۱۸]





## سه: به کارگیری دستوره‌های قران

سیمای قرانی امام جعفر صادق(ع) به خوبی نشان دهنده این بود که چگونه امام از این کتاب الهی پاسداری می کرد و حرمتش را ارج می نهاد. در دعایی که پیش از قرایت قران می خواند، درخواست های عاجزانه او را دیدید و از این رو، می توان به قطع و یقین گفت امام صادق(ع) عالی ترین و کامل ترین شخصیت در عمل به قران مجید بود و دیگران را نیز از این بهره وری بی نصیب نمی گذاشت و نمونه ان در زندگی ان حضرت فراوان به چشم می خورد. به عنوان مثال، امام بزرگوار به توصیه قرانی (صله رحم) به شدت عمل می کرد و با استدلال به آیات مربوط، این امر خدا پسندانه را در جامعه اسلامی رواج می داد.

### ۱. صله رحم، حسابرسی را سبک می کند

اربلی در کشف الغمه از حافظ عبدالعزیز بن الاخضر نقل کرده: وقتی بین امام جعفر صادق(ع) و عبدالله بن حسن در وسط روز سخنانی رد و بدل شد، عبدالله به درستی با امام سخن گفت و از یکدیگر جدا شدند. هر دو به مسجد رفته، بار دیگر همدیگر را بر در مسجد ملاقات کردند. امام صادق(ع) به عبدالله بن حسن فرمود: ای ابامحمد! چگونه روز را به شب رساندی؟ عبدالله با حالت عصبانیت گفت: به خیر و خوشی.

امام صادق(ع) فرمود: ای ابامحمد! آیا می دانی که صله رحم، حساب را تخفیف می دهد؟

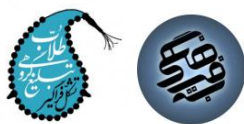
عبدالله گفت: پیوسته چیزی می گویی که ما ان را نمی دانیم.

امام فرمود: من بر تو قران می خوانم.

عبدالله گفت: این را قران گفته است؟!

امام فرمود: اری.

عبدالله گفت: ان را بخوان.



امام فرمود: خدای عزوجل می فرماید:

(و الذین یصلون ما امر الله به ان یوصل و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب)؛ [۱۹] (و آنها که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار می دارند و از پروردگارشان می ترسند و از بدی حساب روز قیامت بیم دارند).

عبدالله - با شنیدن این ایه، متنبه شده - گفت: از این پس، هرگز مرا قاطع رحم نخواهی دید. [۲۰]

## ۲. یک ایه، مرا به شدت نگران کرد

صفوان جمال گوید: روزی بین امام جعفر صادق(ع) و عبدالله بن حسن گفتگویی شد که مردم از سر و صدای آن دو جمع شدند. پس شب را به همان حالت سپری کردند.

صفوان گوید: برای حاجتی صبح زود بیرون رفته بودم که امام را بر در خانه عبدالله بن حسن دیدم که به کنیز عبدالله می گفت: به ابومحمد بگو تا بیاید. عبدالله بیرون آمده، اظهار داشت یا اباعبدالله! برای چه در این صبحدم آمده ای؟ امام فرمود: من دیشب ایه ای در کتاب خدا خواندم که به شدت مرا مضطرب و نگران کرده است.

عبدالله گفت: آن ایه کدام است؟

امام صادق(ع) فرمود: فرموده خداوند عزوجل: (و الذین یصلون ما امر الله به ان یوصل و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب) [۲۱].

عبدالله گفت: راست گفتی. گویا هرگز چنین ایه ای را در کتاب خدا نخوانده ام. پس یکدیگر را در اغوش گرفتند و گریستند. [۲۲]

## ۳. بوی بهشت به مشام قاطع رحم نمی رسد



سالمة، پیشکار امام صادق(ع) نقل می کند: به هنگام احتضار امام، نزد آن حضرت بودم که وی بیهوش شد و زمانی که به هوش آمد، فرمود: به حسن بن علی بن علی بن حسین - معروف به افضس - هفتاد دینار بده. و همچنین به فلان شخص و فلان فرد، مقداری را معین کردند که به آنها نیز بدهم. به ایشان عرض کردم: ایا به مردی عطا می کنی که با چاقو به شما حمله کرد و می خواست شما را به قتل برساند؟!

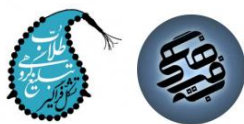
حضرت در پاسخ فرمود: می خواهی از آن کسانی نباشم که خدا درباره شان فرموده: (و انهایی که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار می دارند و از پروردگارشان می ترسند و از بدی حساب روز قیامت بیم دارند)؟

اری، ای سالمة! خداوند بهشت را افرید و آن را خوشبو گردانید و بوی بهشت از راه هزار ساله به مشام می رسد، ولی آن کسی که عاق والدین شده و یا قاطع رحم است، به مشامش نخواهد رسید. [۲۳]

### چهار: احترام فوق العاده به قران

امام صادق(ع) علاوه بر احترام فوق العاده ای که به قران کریم می گذاشت، با بیان برخی روایات، به تبیین عظمت قران در جامعه می پرداخت و از همگان می خواست تا از این نعمت بزرگ کاملاً قدردانی کنند و چنان که شایسته است، آن را محترم شمارند.

امام(ع) می فرمود: هر گاه خداوند اولین و آخرین را [در قیامت] جمع کند، در این هنگام شخصی که در زیبایی همانند او دیده نشده، وارد خواهد شد و چون نگاه مومنان به آن افتد، می گویند: این از ماست، چقدر زیباست! و چون از برابر صف شهدا عبور کند، شهدا می گویند: این قران است و سپس از صف رسولان می گذرد. آنان می گویند: این قران است. به صف فرشتگان می رسد. آنان نیز می گویند: این قران است. تا اینکه در طرف راست عرش الهی می ایستد. سپس خداوند علی اعلا می فرماید:



(به عزت و جلال خودم سوگند! هر که تو را گرامی داشته، او را گرامی خواهم داشت و هر که به تو توهین کرده باشد، به او اهانت خواهد شد). [۲۴]

## پنج: تشویق به فراگیری قرآن

از آنجا که قرآن کریم کتاب اسمانی و دستور العمل زندگی پیروان اسلام است، امام صادق(ع) همیشه می‌کوشید که مردم را هر چه بیشتر با آن آشنا کند و کسی را که یاد نگرفته بود، به قرایت تشویق می‌فرمود، و آن که را می‌دانست ولی چندان به آن اهمیت نمی‌داد، او را به وظایفش در برابر قرآن آشنا می‌ساخت و این روش امام در طول زندگی پر برکتش بود.

### ۱. آموزش قرآن

قطب راوندی می‌نویسد: روایت شده امام صادق(ع) غلامی داشت که نام او مسلم بود. این فرد قرآن نمی‌دانست، امام صادق(ع) در یک شب قرآن را به او آموزش داد. پس مسلم شب را به روز رسانید؛ در حالی که قرآن را یاد گرفته بود. [۲۵]

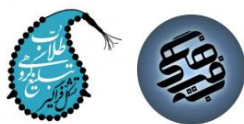
### ۲. مومن نمی‌میرد، مگر...

در جهت این تشویق‌ها، حضرت فرمود: سزاوار است که مومن نمیرد، مگر آنکه قرآن را فراگیرد و یا در مسیر فراگیری آن باشد. [۲۶]

نیز فرمود: کسی که یک حرف از قرآن را یاد بگیرد، ده حسنه ثواب دارد و ده سیئه از او محو می‌گردد و ده درجه به او عنایت می‌شود. [۲۷]

پی نوشت ها:

[۱] سنن ترمذی، ج ۲، ص ۳۰۸.



[۲] کافی، ج ۱، ص ۵۶.

[۳] همان، ص ۵۵.

[۴] همان.

[۵] همان، ص ۱۷۹.

[۶] همان.

[۷] کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۳۰.

[۸] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۵.

[۹] نحل، ۸۹.

[۱۰] قرآن در احادیث اسلامی، ص ۱۱۵، به نقل از التوسل و الوسيله، ابن تیمیه دمشقی، ص ۵۲.

[۱۱] همان، ص ۴۵، به نقل از کافی، ج ۲، ص ۴۱۷.

[۱۲] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۵۸.

[۱۳] همان، ص ۱۰۴.

[۱۴] مناقب ال ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۹.

[۱۵] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۶.

[۱۶] همان، ص ۱۳.

[۱۷] فاطر، ۴۱.

[۱۸] مناقب ال ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۹.

[۱۹] رعد، ۲۱.

[۲۰] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۷۴؛ غیبت، شیخ طوسی، ص ۱۲۸.

[۲۱] رعد، ۲۱.



[۲۲] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۹۸.

[۲۳] غیبت، شیخ طوسی، ص ۱۲۸؛ کافی، ج ۲، ص ۱۵۵.

[۲۴] کافی، ج ۲، ص ۴۴۰.

[۲۵] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۰۱.

[۲۶] کافی، ج ۱، ص ۴۴۴.

[۲۷] همان، ج ۲، ص ۴۴۸.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی حوزه

